

پژوهش درباره فرهنگ رضوی راجدی بگیریم



پیمان اسطفی نوسنده و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی دین

زیارت امام‌رضا(ع) وبرقراری ارتباط درساخت‌های مادی وغیرمادی بین خود وامام‌رضا(ع) باعث به‌وجودآمدن فرهنگی شده است که‌می‌توان ازآن به‌عنوان «فرهنگ‌رضوی» تعبیر کرد. منظور از فرهنگ رضوی، پژوهش‌هایی مرتبط باامام‌رضا(ع)، اصحاب ایشان، زیارت وسادات رضوی است، یاپژوهش‌هایی که‌درباره آستان قدس به‌عنوان یک نهاد ومشهد (خراسان فرهنگی) انجام شده است. البته پژوهش‌ها دربارۀ شهر مشهد به‌تدریج ازپژوهش‌های رضوی فاصله‌می‌گیرد وخیلی ازساحت‌ها بافرهنگ رضوی ارتباطی ندارد. فرهنگ‌رضوی دارای عناصر گوناگون مادی وغیرمادی است. این فرهنگ بسیار غنی ودرخور توجه است و‌می‌توان زیارت پایای پیاده، معماری وهنر وتولیدات ادبی وفرهنگی رابخشی ازاین فرهنگ بزرگ دانست.

«فرهنگ رضوی» دریک تقسیم‌کلی دارای سه بخش اصلی است: اول امام‌رضا(ع)، زیارت وفرزندان ایشان در قالب سادات رضوی، دوم نهاد پیچیده و کهنی به‌نام آستان قدس رضوی وسوم یک پهنه شهری به‌نام مشهد که‌درفرن‌های گذشته (به‌صورت کامل) باز زیارت امام‌رضا(ع) پیونده خورده است. زیارت امام‌رضا(ع) فرهنگ پیچیده‌ای را به‌وجود آورده که‌نه‌تنها در ایران به‌معنای امروزی اش ونه‌فقط در زبان فارسی، بلکه در فرهنگ‌های مجاور ما نیز مؤثر واقع شده است. این بخش ازفرهنگ رضوی، پیچیدگی بیشتر وحضور فعال‌تر در فرهنگ‌ما وهمسایگانمان دارد.

متأسفانه به‌سبب ضعف عمومی علوم اجتماعی در کشور‌های غرب آسیا ودانیده‌گرفتن وتوانمندنبودن مسئله پژوهش درباره ابعاد گوناگون فرهنگ‌های ملی وخرده فرهنگ‌ها، ما اطلاعات دقیقی ازفرهنگ رضوی نداریم واگاهی دقیق ازاین فرهنگ غنی نیازمند ارتباط علمی پژوهشگرانی از کشور‌های غرب آسیا، آسیای میانه وجنوب آسیاست. نبود ارتباط جدی پژوهشگران این مناطق سبب شده است تا‌کاوش جدی در فرهنگ رضوی انجام نشود، اما همین مقدار اطلاعات که‌داریم، به‌ما این نکته را‌اثبات می‌کند که‌حضور فرهنگی امام‌رضا(ع) در این مناطق تأثیر بسزایی در این کشور‌ها گذاشته است. گسترش مطالعات فرهنگی رضوی در گرو گسترش مطالعات اسلامی، ایرانی، آسیای میانه، شهری، اجتماعی وفرهنگی وتاریخی است وشرط افزایش کمی وکیفی مطالعات رضوی افزایش توان ما در مطالعات اسلامی و... است وبدون داشتن مقدمات نمی‌توانیم آثار خوبی در زمینه فرهنگ رضوی ارائه دهیم.

آثار فرهنگ رضوی در آکادمی‌های غربی در پنج عرصه ارائه شده است که‌برخی از این آثار ریشه در تاریخ دارد؛ مانند‌آثاری در تاریخ اسلام (مطالعات صدر اسلام) وآثاری درباره شخصیت، شهادت وولادت امام‌رضا(ع) وبرخی از آن‌ها مطالعاتی در زمینه بنی‌عباس بوده که‌امروزه یکی از مطالعات جذاب در دانشگاه‌های غربی است وانجمنی به‌نام مطالعات بنی‌عباس به‌کوشش چندین استاد آمریکای شمالی وغربی تأسیس شده که‌دارای مجله اختصاصی به‌نام ژورنال مطالعات بنی‌عباس است که‌سالی دو شماره منتشر می‌شود وهر شماره دارای مقالاتی است و کنفرانس‌هایی برگزار می‌کنند.

برخی دیگر از آثار به‌تاریخ ایران مربوط می‌شود و به‌بررسی ارتباط فرهنگ رضوی به‌قسمتی ازفرهنگ ایران می‌پردازد وقسمتی از این مطالعات، مطالعات تاریخ آسیای میانه است، به‌سبب اینکه پیش از دوران اخیر، خراسان فرهنگی تعداد زیادی از زوار مشهد مقدس راداشت که‌هویت آن‌ها درون سیستم آسیای میانه تعریف می‌شده است. بنابراین در مطالعات آسیای میانه متخصصان برجسته‌ای هستند که‌می‌توانند درباره مشهد اظهار نظر کنند.

شناساندن فرهنگ رضوی تابعی از شناختن فرهنگ رضوی وفراهم کردن زمینه برای شناخت آن است. اگر ما به‌صورت نظام‌مند به‌پژوهش در این باره بپردازیم وامکان پژوهش در این حوزه را برای پژوهشگران فراهم کنیم، ابعاد بسیار بیشتری از فرهنگ رضوی برایمان نمایان خواهد شد. اگر بتوانیم غنای این فرهنگ وفرصت‌های پژوهشی در این زمینه را به جهان عرضه کنیم، در مدت کوتاهی متوجه خواهیم شد که‌محصولات پژوهشی وهنری در سراسر جهان تولید خواهد شد.

در این باره هم باید اقداماتی بااستنادارد‌های جهانی بامشخصات اقدامات فرهنگی موفق در جهان انجام داد. بخش مهمی از این اقدامات درون چهارچوب‌های ارتباطی جهانی می‌گنجد. ابزار‌های شناخت وشناساندن مقوله‌های فرهنگی تاحد زیادی مشابه‌هم هستند. البته ویژگی‌های فرهنگ رضوی می‌تواند مقدمات کمک‌رسان برای شناساندن هرچه بهتر آن باشد. ما باید هم‌نوا بتغییرات جهانی ونظام‌های آکادمیک بین‌المللی قدم‌های جدی برداریم.

از سوی دیگر، وجود برخی نهاد‌های فرهنگی قدیمی در اطراف حرم امام‌رضا(ع) فرصت بسیار مهم برای محقق کردن این اهداف است. امروزه درصد بسیار کمی از غنای فرهنگی موجود در این راه فعالیت می‌کنند؛ در صورتی که با چشم‌انداز صحیح وبا استفاده از کارشناسان باتجربه‌می‌توان شاهد اقدامات خیلی خوبی در این زمینه باشیم.

بین نهاد‌های پژوهش ایرانی و بین‌المللی درباره فرهنگ رضوی می‌افزایی، گفت‌وگو و ارتباط برقرار نیست و به‌ندرت پیش‌می‌آید تا به‌صورت نهادی و روشمند وارد سخن گفتن دو طرفه شوند. پژوهش‌ها در آکادمی‌های غربی درباره فرهنگ رضوی، بیشتر به‌کوشش غیرمسلمانان وغیر ایرانیان وغیر شیعیان انجام شده است. اما به تدریج شیعیان و ایرانیان ومسلمانان در حال ورود به این عرصه هستند.

زمینه‌ها وموضوع‌های تحقیق در زمینه فرهنگ رضوی که‌غربی‌ها تولید کردند، هم‌نوا با اولویت‌ها ونیاز‌های ما نبوده است ولزوما به آن نیاز نداریم وباید به اولویت‌ها جهت داده شود وقسمت زیادی از جهت‌دادن حمایت اداری، مالی وشخصیت‌دادن است. فرهنگ رضوی ابعاد بسیاری دارد که‌هر کدام می‌تواند موضوع پژوهش مستقل شود که‌تاکنون بخش اندکی از این فرهنگ مورد توجه قرار گرفته است.

گفت وگویی شهرآرا با دکتر حسن انصاری، عضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرینستون

اصلاح تفکر دینی از دریچه ادبیات حدیثی شیعه

امید حسینی نژاد

میراث حدیثی شیعه از زمان حضور معصومان^(ع) تا امروز فرازونشیب‌های بسیاری راپشت سر گذارده است. در قرن نخست ودر سال‌های اولیه پس از رحلت پیامبراکرم^(ص)، جریان منع تدوین حدیث رخدادی عجیب در میان مسلمانان بود. باتوجه به تأکید‌های شفاف ایشان بر ثبت وضبط احادیث، گروهی این مسیر رامنحرف کردند وبا تکیه بر رأی شخصی‌شان مانع ثبت احادیث به‌کوشش مسلمانان شدند. اما شیعیان باره نمود‌های امامان^(ع) مسیر دیگری راپیش گرفتند. در زمان امیرالمؤمنین^(ع) کسانی از جمله عبیدالله بن‌رافع دفتر حدیثی داشت وروایاتی که‌از امام‌علی^(ع) می‌شنید، در آن دفتر ثبت می‌کرد. دکتر سیدحسین مدرسی طباطبایی در کتاب ارزشمند «میراث مکتوب شیعه، دفاتر راویان حدیث ربا تکیه بر منابع کهن شیعه معرفی کرده است. در قرن سوم جوامع حدیثی شیعه به‌صورت رسمی شکل گرفت. محمدبن یعقوب کلینی کتابی مهم در زمینه حدیث شیعه باعنوان اصول کافی در بغداد منتشر کرد. پس از او نیز شیخ صدوق وشيخ طوسی آثاری بدین سبک منتشر کردند وعالمان پس از ایشان نیز مسیر تدوین حدیث رابدین صورت ادامه دادند. یکی از مشکلات مهم ادبیات حدیثی در میان مسلمانان رواج احادیث جعلی وخرافی در میان منابع حدیثی بود. اهل سنت به‌دلیل وجود منع تدوین حدیث در قرن نخست بیشتر دچار چنین مشکلی بودند، اما شیعیان نیز به‌دلایل گوناگون دچار این مشکل در ادبیات حدیثی شدند. عالمان در طول قرن‌های متمادی سعی داشتند تامیراث حدیثی رابه‌صورتی نقادانه پالایش کنند تا سره از ناسره مشخص شود، اما هنوز هم برخی از این احادیث در میان سخنان برخی واعظان به‌گوش می‌رسد. در این دوران مهم‌ترین وظیفه حدیث پژوهان مبارزه با خرافه‌گرایی و ادبیات جعلی در میراث حدیثی است. برای واکاوی بیشتر این مسئله، گفت‌وگویی بادکتر حسن انصاری، حدیث پژوه وعضو هیئت علمی مدرسه مطالعات تاریخی پرینستون، داشته‌ایم. آنچه می‌خوانید، مشروح این گفت‌وگوست.

● میراث حدیثی مسلمانان در طول قرن‌ها تطورات گوناگونی راپشت سر گذاشته است. به‌نظر شما این تحولات را چگونه می‌توان با توجه به ظرف زمانی خود تقسیم‌بندی کرد؟

حدیث سهمی مهم در منظومه اندیشه دینی ما دارد. بدون مواجهه نقادانه با حدیث، هیچ گونه اصلاح اندیشه‌دینی ممکن نیست. در اسلام سلفی‌گرا جریان تدوین حدیث تحت تأثیر دو سازمان سیاسی ودینی رسمی ونهادی بوده است. یکی در آغاز اسلام که‌حدیث در پیوند بانهاد قدرت و برای مشروعیت در عصر اموی والبتۀ انداز‌های هم در آغاز عصر عباسی شکل گرفت. بیشتر این نوع احادیث که‌بخش مهمی از میراث حدیثی اهل سنت راشکل می‌دهد، ساخته‌دوران اموی وآغاز عباسی است. این احادیث در پی مشروعیت‌دادن به‌دستگاه خلافت است و‌می‌خواهد رفتار واعمال آنان را در آینه سنت پیامبراکرم^(ص) ببیند. دسته دیگری از احادیث‌نبوی ساخته‌دوران‌های بعدی است، دوره‌ای که‌در آن محدثان نمایندگان تفکر ضد معتزلی وجهمی بودند وتفسیر قشری وظاهرگرا ولفظ‌گرا از قرآن را تنها تفسیر ممکن از آموزه‌های دینی و گزاره‌های الهیاتی قرآن کریم می‌دانستند. آنان در فاصله سده‌های دوم وسوم قمری انبوهی حدیث در دفاع از آرای خود و در رد معتزله وجهمیه ساختند. این احادیث و احادیث گروه اول در کتاب‌های حدیثی متنوعی به‌تدریج تدوین شد. بخشی از ادبیات حدیثی وسیره‌ای اهل سنت جعل تمام‌بود و بخشی هم باتحریفات و اضافات یا خارج کردن محتوای حدیث از بافت تاریخی خود همراه بود.

● با توجه به تصویری که ارائه کردید، شیعیان در این میان چگونه ادبیات حدیثی خود را حفظ کردند؟

اهل بیت^(ع) از نیمه سده دوم جریانی برای نقد حدیث را آغاز کردند و در مقابل روایت خلیفگان از سیره پیامبراکرم^(ص)، روایت اهل بیت^(ع) و به‌ویژه روایت امیرالمؤمنین^(ع) را از حدیث و سیره پیامبراکرم^(ص) به‌شاگردان تعلیم فرمودند. در این چارچوب حرکت اهل بیت^(ع) حرکتی اصلاحی در راستای احیای سیره پیامبراسلام^(ص) در برابر نظام‌های رسمی بود. مجموعه این تعلیم را اصحاب امامان در مجموعه‌هایی حدیثی که‌به‌اصول شهرت یافت، گردآوردند که‌بعدها شیخ کلینی از آن‌ها استفاده کرد. باین همه، تشیع از همان آغازش در کوفه سده اول قمری، تحت تأثیر جریان‌های گوناگونی قرار داشت که لزوما همه آن‌ها امامان^(ع) را نمایندگی نمی‌کردند. دست کم امامیه تعلیم متفاوتی از دیگر گروه‌های شیعی عرضه می‌کردند و در خود امامیه هم گروه‌هایی که‌به‌غلاة موسوم شدند، عقاید واحادیث متفاوتی را از امامان نسبت به‌آنچه گروه‌هایی که‌معتدل خوانده می‌شدند، روایت وضبط می‌کردند. تحولات فکری ومذهبی شیعی هم گاه در ارائه نسخه‌های تازه‌ای از مآثورات شیعی سهم‌داشت وناچار در مواقعی متن احادیث بنابر تحولات فکری دستخوش تحریفات و اصلاحات قرار می‌گرفت. بنابراین همواره نقد حدیث برای محدثان مهم بود، چنان که در میان اهل سنت هم محدثان

و رجالیان برجسته‌ای برای مقابله با جریان جعل وتحریف در حدیث ظهور کردند.

● مؤلفه‌های ادبیات حدیثی شیعه چه تفاوت با رزی با ادبیات حدیثی در میان اهل سنت داشت؟

تفاوت بارز در میان دو حدیث شیعی وسنی این بود که‌در حدیث سنی به‌سبب کهنگی وقدمت آن و وجود نهادهای قدرت سیاسی ودینی وتولیت آن‌ها نسبت به جریان تدوین حدیث از یک سو ونهی از تدوین حدیث در صدر عصر خلافت از دیگر سو، متأسفانه شیوه‌های نقد حدیث فقط می‌توانست جلو جعل احادیث بعدی را بگیرد، در حالی که عموما نمی‌توانست درباره شرایط جعل حدیث در سده‌های اول ودوم نظری داشته باشد. اما در تشیع به‌دلیل تأخیر در شکل‌گیری ادبیات حدیثی وهمچنین وجود ادبیات مکتوب در میان اصحاب امامان، محدثان امامی از همان آغاز کم‌وبیش راه‌های مطمئن‌تری برای حفظ حدیث از جعل وتحریف یافتند.

علاوه بر اینکه امامان شیعه تعالیمشان را در قالب نقد احادیث منسوب به پیامبراکرم^(ص) در سنت سنی ارائه می‌دادند. به‌همه این دلایل حدیث شیعی کمتر از حدیث اهل سنت در معرض آفت جعل وتحریف بوده است.

● یکی از جریان‌های

به‌وجود آمده در تاریخ حدیث شیعه، غلاة هستند. آنان نیز با استفاده از ادبیات حدیثی اعتقادات خود را نشر می‌دادند.

عالمان شیعه چه رویکردی در مقابله با آنان داشتند؟

به‌دلیل وجود غلاة شیعی که بسیاری از آن‌ها ناچار بودند تعالیمشان را در قالب حدیث ارائه

دهند و هم به‌دلیل تحولات مذهبی و بحران‌های گوناگون فکری ودینی در تشیع امامی در طول سده‌های سوم وچهارم، موجبات این مسئله فراهم شد که تشیع امامی باموجبی از جعل با اصلاح حدیث روبه‌رو شود. حاصل این احادیث در قالب کتاب‌های حدیثی مکاتب کوفه وقم وبغداد وخراسان بعدها مورد استفاده علامه مجلسی در بحارالانوار قرار گرفت. در طول سده‌های ششم وهفتم قمری هم تعدادی کتاب‌های حدیثی به‌هدف تبلیغات مذهبی وبیشتر بامایه‌های خرافی وعوام‌گرایانه جعل وپیشنهاد شد ومآثورات شیعی رامتاثر از خود کرد. در دوران صفویه وبعد از قاجار وبا افول تفکر خردگرایی دینی ورشد اخباریگری وبا قدرت گرفتن نهادهای گوناگون دینی عوام‌گرا راه برای برجسته شدن ادبیات حدیثی غالی‌گرایانه یا خرافی‌گرایانه بیشتر از پیش هموار شد ومتن‌هایی در حدیث با استقبال اهالی وعظ ومنبر ومثیبه‌سرایی ومدح‌گویی قرار گرفت که‌فقط به‌انگیزه تبلیغات مذهبی



دکتر حسن انصاری:
تحولات فکری ومذهبی شیعی هم گاه در ارائه نسخه‌های تازه‌ای از مآثورات شیعی سهم‌داشت وناچار در مواقعی متن احادیث بنابر تحولات فکری دستخوش تحریفات وحک و اصلاحات قرار می‌گرفت

از قاجار وبا افول تفکر خردگرایی دینی ورشد اخباریگری وبا قدرت گرفتن نهادهای گوناگون دینی عوام‌گرا راه برای برجسته شدن ادبیات حدیثی غالی‌گرایانه یا خرافی‌گرایانه بیشتر از پیش هموار شد ومتن‌هایی در حدیث با استقبال اهالی وعظ ومنبر ومثیبه‌سرایی ومدح‌گویی قرار گرفت که‌فقط به‌انگیزه تبلیغات مذهبی



مجموعه‌ای به خط صدر المتألهین شیرازی

با توجه به اینکه نسخه کتابخانه نجفی مرعشی، شامل تفسیر سوره‌های الطارق والجمعه نیز هست و آن دو نیز به‌خط مرحوم ملاصدراست وتاریخ رجب ۱۰۳۰ را دارد، خیلی بعید به‌نظر می‌آید که‌سال ۱۰۳۰ تاریخ تألیف این سه تفسیر باشد، بلکه باید تاریخ پاک‌نویس و کتابت باشد. اشاره‌ها ونکته‌های قرآنی آمده در نسخه حاضر، یادداشت‌های اولیه برای تألیف وتصنیف کتاب یا کتاب‌های مرحوم ملاصدرا بوده است. همان‌گونه که بخشی از آن‌ها (با ویرایش وتغییراتی) در کتاب «مفاتیح الغیب، و تفسیر القرآن الکریم» استفاده شده است.

عملی آن‌ها همراه با خاطره‌هایشان در میان لایه‌های اجتماعی گوناگون مردم جوامع درون وبرون مرز ایران است. در این مجموعه، دوازده پژوهشگر از نسل تازه مردم‌نگاران، نگرش‌ها و برداشت‌هایشان را با باین پستی‌وبلندی‌ها ودشواری‌های کار در زمین تحقیق وچگونگی روش‌ها وشویه‌هایی را که‌برای برقرار کردن ارتباط با اطلاع‌رسانان وتپیه یادداشت به‌کار بسته‌اند، توصیف وتشریح کرده‌اند. روایات این پژوهشگران از میدان تحقیق وحوزه جغرافیای فرهنگی در سه فصل با عناوین مردم‌نگاری در آن سوی مرزها، مردم‌نگاری در این سوی مرزها ومردم‌نگاری در گذار از مرزها آورده شده‌اند.

کتاب «مردم‌نگاری ایرانی: یک بستر، چند رؤیا» نوشته گروهی از نویسندگان به‌کوشش جبار رحمانی با مقدمه علی بلوکاشی توسط مؤسسه مطالعات فرهنگی واجتماعی در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است.

به‌مردم‌نگاری بر وجه دوم آن، یعنی تعریف محدود از مردم‌نگاری تأکید می‌شود. در این تعریف، میدان ساختارمند در دریافت وفهم‌کنش‌های ذهنی وعملی کنشگران در جوامع انسانی است. مردم‌نگاری را می‌توان سنگ‌بنای انسان‌شناسی دانست که‌راه رابه‌سوی شناخت وفهم وتفسیر فرهنگ‌ها می‌گشاید وزمنه نظریه پردازی فرهنگی واجتماعی را برای انسان‌شناس فراهم می‌آورد.

تعریف مردم‌نگاری را می‌توان در دو سطح مطرح کرد: در تعریف گسترده ووسیع، مردم‌نگاری به‌مثابه یک روش کیفی تعریف می‌شود. به‌عبارتی، مردم‌نگاری به‌عنوان یک پرسپکتیو منظر در تحقیق است، تا انجام آن تحقیق، ا مادر تعریف محدودتری می‌توان مردم‌نگاری را به‌مثابه تحقیق میدانی یا کار میدانی دانست.

در این تعریف، مردم‌نگاری یک شیوه خاص در انجام پژوهش‌های کیفی است. عموما در مباحث مربوط

مردم‌نگاری به‌روش پژوهش میدانی، نوعی پژوهش بی‌واسطه میان مردم بابینش ونگرش ویزه‌وروش‌هایی ساختارمند در دریافت وفهم‌کنش‌های ذهنی وعملی کنشگران در جوامع انسانی است. مردم‌نگاری را می‌توان سنگ‌بنای انسان‌شناسی دانست که‌راه رابه‌سوی شناخت وفهم وتفسیر فرهنگ‌ها می‌گشاید وزمنه نظریه پردازی فرهنگی واجتماعی را برای انسان‌شناس فراهم می‌آورد.

تعریف مردم‌نگاری را می‌توان در دو سطح مطرح کرد: در تعریف گسترده ووسیع، مردم‌نگاری به‌مثابه یک روش کیفی تعریف می‌شود. به‌عبارتی، مردم‌نگاری به‌عنوان یک پرسپکتیو منظر در تحقیق است، تا انجام آن تحقیق، ا مادر تعریف محدودتری می‌توان مردم‌نگاری را به‌مثابه تحقیق میدانی یا کار میدانی دانست.

در این تعریف، مردم‌نگاری یک شیوه خاص در انجام پژوهش‌های کیفی است. عموما در مباحث مربوط



به روایت استاد

کتاب شناخت

مردم‌نگاری ایرانی

